



فقه

۱ - ثبوت قصر :

دلیل ثبوت قصر در سفر ، این آیه

مبارکه است :

"وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ

"عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ

"إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يُفْتِنَكُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا" (۱)

یعنی زمانی که "ضرب درارض" نمودید (راه رفته وطنی سافت کردید) پس باکی بر شما نیست که نماز را کوتاه کنید اگر بیم آن داشته باشید که کفار بر شما فتنه کنند (شما را غافلگیر کرده و بر شما هجوم برند). گر چه ظاهر آیه شریفه، حکم "نماز خوف" در سفر است، لکن به قرینه تمسک ائمه (ع) به آیه شریفه برای بیان مطلق نماز مسافر در مثل روایت صحیح زراره و محمد بن مسلم که ذکر خواهد شد، این آیه دلیل مساله است.

۲ - وجوب قصر :

با اینکه در آیه شریفه - فوق الذکر - تعبیر به "لیس علیکم جناح" است که ظاهر آن ترخیص در قصر است نه وجوب قصر، لکن وجوب قصر در سفر، اجماعی و ضروری مذهب است و معلوم میشود که تعبیر به "لیس علیکم جناح" به خاطر دفع توهم خطر و ممنوعیت است یعنی چون وظیفه اولی، نماز چهار رکعتی است توهم میشود که دور رکعتی صحیح نیست. برای دفع این توهم، گفته شده که مانعی در قصر صلاه نیست علاوه بر اینکه روایات بسیاری دلالت بر مساله دارد. از جمله صحیح زراره و محمد بن مسلم.

"قَالَ قُلْنَا لَأَبِي جَعْفَرٍ (ع) مَا تَقُولُ"

بر مسافر با شرائطی که ذکر میشود "نماز قصر" واجب است. یعنی باید نمازهای چهار رکعتی خود را، دور رکعت بخواند. در این مساله ادعای اجماع، بلکه ضرورت شیعه امامیه شده است. اکثر عامه (علمای اهل سنت) نیز به همین مطلب قائلاند. و روایات بسیاری که در بین آنها روایات صحیحه هم زیاد است دلالت بر آن دارد، لکن نباید بین دو مطلب خلط شود: ثبوت قصر در سفر و وجوب آن.



حجة الاسلام والاسلمین
قدیری

" في الصلاة في السفر كيف هي وكم هي؟ فقال: ان الله عزوجل يقول " واذا ضربتم في الارض فليس عليكم جناح ان تقصروا من الصلاة " فصار " التقصير في السفر واجبا كوجوب التمام " في الحضر. قال: قلنا له: قال - " الله عزوجل: " فليس عليكم جناح " ولم يقل اقلوا، فكيف " اوجب ذلك؟ فقال: اوليس قد قال " الله عزوجل - في الصفا والمروة " فمن حج البيت او اعتمر فلا جناح عليه ان يطوف بهما. " الا ترون " ان الطواف بهما واجب مفروض، " لان الله عزوجل - ذكره في كتابه " و صنعه نبيه. وكذلك التقصير " في السفر شيئا صنعه النبي (ص) " و ذكر الله في كتابه... " (٢)

زراره و محمد بن مسلم نقل می کنند که خدمت حضرت باقر علیه السلام عرض کردیم: چه می فرماید راجع به نماز در سفر، چگونه است و چقدر؟ فرمود: خداوند عزوجل می فرماید: زمانی که طی طریق کردید، بر شما باکی نیست که نماز را قصر بخوانید، پس نماز قصر در سفر واجب شد مثل اینکه نماز تمام در حضر واجب است. عرض کردیم: خداوند عزوجل فرمود: بر شما باکی نیست که قصر بخوانید و نفرمود: حتما باید بخوانید. حضرت فرمود: آیا خداوند در باره سعی بین صفا و مروه نفرموده: کسی که حج خانه کعبه نماید یا عمره بجا آورد باکی بر او نیست که بین صفا و مروه سعی کند، با اینکه سعی بین صفا و مروه واجب است؟ (در همین حال بگفته " لاجناح " یعنی باکی نیست تعبیر فرموده که در آیه تقصیر هم شبیه همین تعبیر

است) ... از این حدیث شریف استفاده میشود که شکسته شدن نماز در سفر عزیمت است نه رخصت. یعنی اگر نماز را در سفر تمام بخوانند صحیح نیست. بلکه در باب روزه، زراره به روایت صحیح از حضرت باقر (ع) نقل می کند که حضرت فرمود:

" سمی رسول الله (ص) قوما صاموا " " حين افطر و قصر ثم صاموا... " (٣)

پیغمبر اکرم (ص) جماعتی را که وقتی حضرت روزه را افطار و نماز را شکسته خواند آنها روزه گرفتند، گناهکار نامید. از این تعبیر معلوم میشود که روزه گرفتن در سفر گناه هم هست، علاوه بر اینکه باطل است. و روایات صحیح دیگر هم صراحت در آن دارد مثل موثقه عمار:

" قال: سالت ابا عبد الله (ع) عن " الرجل يقول: لله تلي ان اصوم " " شيئا او اكثر من ذلك او اقل، " " فيعرض له امر لابد له ان يسافر، " " اصوم وهو مسافر؟ قال اذا سافر " " فليطغر لانه لا يحل له الصوم في " " السفر فريضة كان او غيره، والصوم " " في السفر مقصية " (٤)

عمار می گوید: از حضرت صادق (ع) سؤال کردم از شخصی که نذر می کند یک ماه یا بیشتر یا کمتر روزه بگیرد، بعد از پیش آمدی میشود که بناچار مسافرت میکند آیا در سفر روزه بگیرد؟ فرمود: وقتی سفر کرد باید روزه را افطار کند زیرا برای او روزه در سفر حلال نیست چه روزه واجب و چه غیر آن. و روزه در سفر معصیت است. بنا بر این، از این احادیث، چند امر معلوم میشود: ١- وجوب قصر نماز در سفر و سقوط روزه در آن. ٢- عمل بر خلاف این وظیفه گناه است. ٣- تمام خواندن نماز در سفر باطل است و نیز روزه در سفر باطل است.

موارد استثنا:

در یک مورد تمام خواندن نماز در سفر

صحیح است و آن مورد جهل به اصل حکم است. یعنی کسی که جاهل است که مسافر نماز شکسته است اگر تمام بخواند صحیح است. ولی اگر میداند نماز مسافر قصر است و بخصوصیتی از آن جاهل است مثل اینکه نمیداند کسی که چهار فرسخ برود و شب بماند و روز بعد برگردد حکم مسافر دارد، و نماز را تمام بخواند، نمازش باطل است. و حکم به بطلان در این صورت علی القاعده است و استثنا در فرض جهل به اصل حکم بدلیل روایت صحیح زراره و محمد بن مسلم است که گفتند:

" قلنا لابي جعفر (ع) رجل صلى " " في السفر اربعا، ايعيد ام لا؟ " " قال: ان كان قرات عليه آية " " التقصير فسرت له فطلى اربعا " " اعاد وان لم يكن قرات عليه و " " لم يعلمها فلا اعاده عليه. " (٥)

عرض کردیم خدمت حضرت باقر (ع): مردی در سفر نماز را چهار رکعت خوانده آیا اعاده کند یا نه؟ فرمود: اگر آیه تقصیر (شکسته خواندن نماز) بر او خوانده شده و برای او تفسیر شده و در همین حال نماز را چهار رکعت خوانده است، اعاده کند و اگر بر او این آیه خوانده نشده و حکم را نمیدانست نمازش اعاده ندارد از این حدیث استفاده میشود که کسی که اصل شکسته شدن نماز را در سفر نمیداند اگر نماز را تمام بخواند نمازش صحیح است و در غیر این صورت باید نمازش را اعاده کند.

و همچنین در باره روزه در حال سفر مواردی استثنا شده مثل: مورد جهل به اصل حکم که نمیداند روزه در حال سفر باطل است. بدلیل آن، روایات صحیح است که از جمله آنها صحیح لیث است از حضرت صادق (ع) است:

" اذا سافر الرجل في شهر رمضان " " افطروا من صومه جهلا لم يقضه. " (٦)

اگر شخصی در ماه رمضان مسافرت کند باید روزه را افطار نماید و اگر از روی جهل

روزه گرفت قضا نکند. و از این تعبیر صحت روزه در مورد جهل استفاده میشود. و از موارد صحت روزه در سفر آن است که شخصی نذر کند که در سفر روزه بگیرد یا در اعم از سفر و حضر روزه بگیرد. البته در این مورد متعلق نذر، روزه در سفر یا اعم است بطور اطلاق نه روزه خاصی مثل روزه رمضان یا فضا. آن. پس اگر نذر کند روزه ماه رمضان را در سفر بگیرد نذر صحیح نیست و نیز اگر نذر کند روزه استحبابی عید غدیر را در سفر بگیرد نذر باطل است و فقط نذر صحیح آن است که نذر کند در سفر یا اعم از سفر و حضر روزه بگیرد و قیدی نیاورد و بطلان روزه در موارد ذکر شده علی القاعده است و دلیل صحت در مورد اخیر صحیحه این مهیبار است درباره کسی که نذر کرده هر شب روزه بگیرد که حضرت فرمودند:

"لا تتركه الا من عله و ليس عليك"

"صومه فی سفر و لا مرض الا ان تکون"

"نویت ذلک . (۷)"

یعنی روزه را که نذر کرده ای بدون عذر ترک نکن، و در سفر و مرض بگیر مگر آنکه نیت آن را کرده باشی. از این عبارت، فقها چنین استنباط کرده اند که اگر در حال نذر نیت کند که در سفر روزه بگیرد و آن را نذر کند نذرش صحیح است و باید به آن وفا کند و در سفر روزه بگیرد. و با اینکه شرط شده که باید متعلق نذر فی نفسه راجح باشد و الا نذر باطل است و صوم در سفر مرجوح است ولی نص صحیح سابق، این قاعده را تخصیص میزند و مورد نذر روزه در سفر را استثنا میکند، چنانکه در

باب احرام قبل از میقات که فی نفسه مرجوح و باطل است، نص صحیح وارد شده که در صورت نذر صحیح است. و این دو مورد از اعتبار و رجحان در متعلق نذر استثنا شده است. (۸)

باید این نکته یادآوری شود که استثنا در حدیث از خصوص سفر است و از مرض استثنا نیست، چون قطعی است که روزه با نذر از مرض صحیح نمیشود. و مسواری دیگری هم روزه در سفر صحیح است که محل ذکر آن کتب فقه است.

موضوع قصر:

گاهی توهم میشود که موضوع قصر مجرد راه پیمودن است با شرائطی که بعدا بیان خواهد شد هر چند عنوان سفر بر آن صدق نکند، چنانکه بعضی فقها عظام و اساتید کرام چنین فرموده اند و حتی ادعا کرده اند که آنچه از کتاب و سنت استفاده میشود این است که "ضرب فی الارض" موضوع قصر است و سفر، موضوع حکم نیست. و نظر مبارک ایشان به این آیه شریفه است:

"و اذا ضربتم فی الارض فلیس علیکم جناح ان تقصروا"

و چون این بحث مهم است و نتایج زیاد بر آن مترتب میشود - که انشاء الله در محل خودش بیان خواهد شد - خوب است دقت کنیم که آیا حکم جنان است که فرمودند یا موضوع حکم قصر، سفر است؟ انصاف این است که میتوان این سالفرا (که موضوع، عنوان سفر است) از واضحات دانست و اموری بر آن دلالت دارد:

۱- ارتکاز متشرعه بر این است که "مسافر" نمازش شکسته است و کسی که مسافر نیست نمازش تمام است و حتی عنوان مسافر را نماز مسافر میدانند و همین ارتکاز موجب قطع است که موضوع، عنوان سفر است.

۲- هر چند در آیه شریفه "ضرب فی الارض" بیان شده لکن از روایات فراوان من جمله صحیح زراره و محمد بن مسلم استفاده میشود که مراد از ضرب فی الارض سفر است، چنانکه در حدیث، بعد از ذکر آیه شریفه می فرماید:

"فصار التقصیر فی السفر واجبا"

"کوجب التمام فی الحضر"

۳- در آیه صوم، عنوان سفر ذکر شده: "و من كان مریضا او علی سفر فعده" "من ایام اخر" (۹)

و از آن معلوم میشود که موضوع افطار در صوم و نیت قضا سفر است. و احدی از فقها تفصیل بین موضوع افطار روزه و قصر نماز ذکر فرموده اند و حتی ملازمه بین قصر و افطار را در مسائلی جداگانه بحث نموده و فتوی داده اند و در بعضی روایات به آن تصریح شده است. از اینجا معلوم میشود که شکسته شدن نماز مثل افطار روزه در سفر است. بنابراین در مورد شکسته شدن نماز، گذشته از شرائطی که ذکر خواهد شد، لازم است عنوان سفر هم صادق باشد و الا نماز، شکسته نمیشود. و نتایج این بحث در آینده روشن خواهد شد انشاء الله.

سفر چیست ؟

هر چند در معنای سفر چندان بحث

کسی که اصل شکسته شدن نماز را در سفر نمیداند، اگر نماز را تمام بخواند نمازش صحیح است و در غیر این صورت باید نمازش را اعاده کند.

نشده است و سفر را "قطع مسافت" معنی کرده‌اند لکن منظور، مطلق قطع مسافت نیست بلکه بقرینه اینکه سفر و حضر را مقابل یکدیگر ذکر کرده‌اند و در "المنجد" است که: حضر ضد غاب، معلوم میشود در معنای سفر مفهوم غیبت اخذ شده است. پس اگر شخص حاضر، قطع مسافت نماید سفر نکرده است بلکه مسافر کسی است که علاوه بر قطع مسافت، غایب شود. این غیبت و حضور، غیبت و حضور نسبت به محل زندگی انسان است و معهود نزد مشرعه و اهل عرف این است که کسی را مسافر میدانند که از محل سکونتش دور شود و کسی را حاضر میدانند که در آنجا باشد. بنا براین اگر جایی محل سکونت انسان باشد وقتی به آنجا رسید، دیگر مسافر نیست هر چند وطن او نباشد.

تأسیس اصل:

اگر شک شود که عنوان سفر در موضوع حکم قصر، مأخوذ است و دخالت دارد یا نه، یا شک شود که آیا اضافه بر قطع مسافت خصوصیت غیبت مقابل حضور در سفر معتبر است یا نه؟ چنانچه عموم یا اطلاق باشد که دلالت بر چهار رکعتی بودن نماز کند به آن تسک می‌کنیم، زیرا شک در اعتبار غیبت در مفهوم سفر، شبهه مفهومی تخصص است و مورد تسک به عموم عام یا اطلاق مطلق است. و در شک در اعتبار سفر در موضوع قصر نیز مورد تسک به آن است زیرا ادله قصر از این نظر اطلاق ندارد و مراد از ضرب فی الارض در آیه شریفه، سفر است چنانکه گذشت. و اگر احتمال آن را هم بدهیم نمیتوانیم به

اطلاق آن تسک کنیم زیرا از این نظر در مقام بیان نیست. و وجود عموم یا اطلاق بر چهار رکعتی بودن نماز را به دو طریق میتوان احراز کرد:

۱- تعبیر قصر و مفهوم آن دلالت دارد بر اینکه اصل اولی نماز تمام است و در سفر کوتاه شده است زیرا قصر بمعنی کوتاه است و هر چند این معنی عموم یا اطلاق لفظی را ثابت نمیکند لکن همان ملاکی که در حجیت عموم یا اطلاق در مورد شبهات مفهومی موجود است - که بنای عقلا بر احتجاج به آن است - در اینجا هم هست زیرا وقتی معلوم شد که اصل اولی در نماز، تمام است و در بعضی موارد کوتاه میشود، بنا احراز نشود که مورد کوتاه شدن نماز هست، عقلا به همان اصل اولی احتجاج می‌کنند

۲- اطلاق بعض روایات که از جمله آنها روایاتی است که مجموع فریضه و نافله را در روز پنجاه و یک رکعت بیان می‌کند مثل صحیحه فضیل بن یسار عن ابی عبد الله علیه السلام قال:

"الفریضه و النافله احدی و خمسون" "رکعت ... (۱۰)"

یعنی نمازهای واجب هر روز و نافله‌های آن ۵۱ رکعت است.

و از جمله آنها روایاتی است که مفید بر آنها این است که نمازهای چهار رکعتی در اصل دو رکعت بوده و پیغمبر اکرم (ص) دو رکعت دیگر به آنها اضافه فرموده است مثل صحیحه فضیل:

"قال: سمعت ابا عبد الله (ع) يقول (فی حدیث): ان الله عزوجل فرض الصلاه رکعتین" "رکعتین، عشر رکعات، فاضاف" "رسول الله (ص) الی الرکعتین" "رکعت و الی المغرب رکعت ... (۱۱)"

فضیل گفت: از حضرت صادق (ع) شنیدم در حدیثی که فرمود: خداوند نماز را دو رکعت، دو رکعت واجب کرد که مجموعاً ده رکعت است. پس پیغمبر اکرم بهر دو رکعت، دو رکعت اضافه فرمود و به مغرب

یک رکعت ... توهم نشود که از این حدیث معلوم میشود نماز در اصل دو رکعت بوده و معلوم نیست دو رکعت اضافی که پیغمبر اکرم (ص) به آن افزوده، در مورد مسافه ما یعنی مورد شک هم باشد. بنا براین قاعده، اقتضای قصر می‌کند و اصل اولی قصر است مگر خلاف آن ثابت شود. این توهم صحیح نیست، زیرا با اینکه دو رکعت از نمازهای چهار رکعتی اصلی و دو رکعت دیگر فرعی و اضافی است، لکن روایات از جمله صحیحه فضیل بنحو اطلاق دلالت دارد که مجموع اصلی و اضافی هریک از نمازهای ظهر و عصر و عشاء چهار رکعت است و ما بخود سه این اطلاقیم مگر دلیل، برخلاف آن قائم شود. روایات دیگر هم همین اصل را ثابت می‌کند که باید در فقه به تفصیل مورد توجه قرار گیرد و ما به همین مختصر در اینجا اکتفا میکنیم. و الحمد لله رب العالمین. ادامه دارد.

- ۱- سوره نسا آیه ۱۰۱.
- ۲- وسائل الشیعه، جلد ۵، صفحه ۵۳۸ روایت ۲
- ۳- وسائل، جلد ۵، ص ۵۳۹، روایت ۵.
- ۴- وسائل، جلد ۷، ص ۱۴۱، روایت ۸.
- ۵- وسائل، جلد ۵، ص ۵۳۱، روایت ۴.
- ۶- وسائل، جلد ۷، ص ۱۲۸، روایت ۶.
- ۷- وسائل، جلد ۷، ص ۱۳۹، روایت ۱.
- ۸- باید به این نکته هم توجه داد شود که از این روایت به صحیحه تعبیر شده بنا اینکه این مهیار میگوید "کتب الیه بندار مولی ادریس یا سیدی ندرت ان اصوم کل یوم ست". یعنی بندار نوشت باو گشای آقای من ۱ نفر کردم که هر شنبه روزه بگیرم که هم بندار مجهول است و هم معلوم نیست به چه کسی نوشته و آیا او امام (ع) بوده یا غیر امام. علت اینکه روایت را صحیحه دانستند اینست که جهالت کاتب - با اینکه این مهیار نقل کتابت او را میکند - ضرر ندارد و نقل این حدیث در کتب معتبره حدیث دلیل است بر اینکه این حدیث از امام است. بخصوص کاتب مهیار اجل است از اینکه از غیر امام نقل کند. و ایشان وکیل امام بوده است و مکاتبات زیادی بوسیله ایشان بین امام و شیعیان رد و بدل شده که در کتب روایات مشهور است.
- ۹- سوره بقره آیه ۱۸۵.
- ۱۰- وسائل، جلد ۳، ص ۳۲، روایت ۳.
- ۱۱- وسائل، جلد ۳، ص ۳۱، روایت ۲.